



دانشگاه و جنبش دانشجویی

حجت الاسلام والمسلمین سید رضا توی



دانشگاهها ویژگی دیگریست که در جای خود باید به آن پرداخت.

با چنین خصوصیتهایی طبیعی است که این گونه مراکز مورد توجه دوست و دشمن بوده باشد و مرگروهی برای دستیابی به اهداف خویش بهترین و مناسبترین وسیله را دانشگاه و مراکز دانشجویی بدانند.

دوستانه دانشگاهها و دانشجویان را سرمایههای ارزشمندی برای جامعه به حساب آورند که باید با این سرمایهها، آینده کشور را در بخشهای گوناگون ساخت و استعدادهای سرشار هم چنان از چشمهسار دانشگاه بچوشند تا رودبارهای تخصص، به دشت جامعه جریان یابند و نهالستان خودکفائی و استقلال را سیراب نمایند.

دشمنان نیز برای نفوذ و فکر و فرهنگ جامعه بهترین محیط و مناسبترین روزنه را دانشگاه بدانند و لذا بیشترین سرمایه گذاری را برای نفوذ خود، بر روری نیروهای دانشگاهی بکنند. زیرا اداره کنندگان آینده کشور طایفه تحصیلان همین دانشگاهها هستند و همراهی و همدلی یک نیرو از این مراکز در واقع به منزله در اختیار گرفتن بخشی از کشور خواهد بود. نگاهی کوتاه به سیر تاریخی دانشگاه، در کشور خودمان این موضوع را اثبات میکند که استکبار جهانی مهره‌های مؤثر تبلیغی و مزدوران خویش را بیشتر از طریق دانشگاه به درون اجتماع مورد نظر، نفوذ داده است. گروه روشنفکران غرب زده و شرق زده، آنان که هویت فرهنگی و اعتقادی خود را در برابر اندیشه‌های وارداتی، به کلی از دست داده بودند میلفان فرهنگ بیگانه و زمینه‌ساز حضور استعمار می شدند.

برای تقریب ذهن همه آن چه را که در این زمینه می توان بیان کرد در قالب یک کلام تشبیهی ریخت و می گوئیم: در نظامهای وابسته طاقت زده، دانشگاه بندری را می ماند که کشتیهای استکبار در آن پهلو می گیرند و کالاهای فرهنگی خود را در بسته بندی پر زرق و برق روشنفکرانه به درون جامعه وارد می کنند.

این که در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل مرموز استکبار جهانی به

یکی از معیارهای رشد و زمینه‌های توسعه، در جوامع مختلف، دانشگاه است زیرا این مرکز علمی در سازندگی انسانها و تبدیل قوه به فعل، رسالت عظیمی را بر عهده گرفته و ابداع و ابتکار، کشف روابط پدیده‌ها و شناخت تأثیر و تأثر اجسام بر یکدیگر، جهان شکوهمندی را در برابر چشمان هوشیار بشریت گشوده و زندگی را با تحول و تنوع نامحدودی روبرو ساخته است. بنابراین هر کجا نابولونی به نام دانشگاه بالا رفت و یا بر پیشانی ساختمانی کلمه مقدس دانشگاه نقش بست آن نابلو شکوفائی استعدادهای را نوید می دهد. دانشگاه دارای یک سلسله خصوصیتهایی است که هر کدام از آنها خود کتاب مفصلی هستند که نیازمند تفسیر و مفسراند.

نخستین خصوصیت دانشگاه، خصوصیت «جوانی» است نیروهائی که در مراکز دانشگاهی گرد آمده‌اند معمولاً جوانانی پر شور و سرشار از انرژی و استعداد روحی هستند. جوان، یعنی نسلی که در دوران شکوفائی استعدادهای جسمی و روحی قرار دارد از نظر جسمی عضلاتی پیچیده، سینه‌هایی ستبر، اعصابی منظم و پولادین از لحاظ روانی طبیعی عصبانگر، احساساتی پر شور و روحیه‌ای آماده برای جسارت و تهور. و این که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «الشباب شعبه من الجنون» جوانی شعبه‌ای از دیوانگی است به همین خصوصیت‌های روحی جوان اشاره دارد که قدرت جوانی، جوانان را به کارهائی می کشاند که به ظاهر ناشدنی است ولی جوان با تکیه بر استعدادهای توانمند خود ناممکنات را ممکن، و ناشدنیها را شدنی می کند.

ویژگی دیگر محیط‌های دانشگاهی «دانشجویی» است محیطی که عطر علم و آگاهی، برهان استدلال، تحقیق و تفحص فضای آن را معطر نموده و تعقل و تتبع را مبنای کار خود قرار داده است و این خصوصیت باعث می گردد تا خصوصیت اول را که خصوصیت جوانی است تا حد زیادی کسوف کند و جوان را تنها و تنها به دست احساسات نهد، بلکه مبنای هراسان و شوری را شعور قرار دهد. نیازهای دستگاههای مختلف کشور به تخصص

جنبش دانشجویی، جنبش اجتهاد است و نه تقلید. چون دانشجویان با سلاح علم و آگاهی مجهز است و مقدمات اجتهاد سیاسی را فراهم آورده است.

۳- امتیاز دیگر جنبش دانشجویی را در برنامه باید دانست. بی برنامه‌گی از شأن هیچ حرکتی به ویژه حرکت دانشجویی نیست. نداشتن برنامه جنبش را در حاله‌ای از ابهام فرو خواهد برد و ابهام آفت خطرناک هر حرکتی به شمار می‌رود.

هر جنبشی باید در دویخش برنامه‌های انقلابی خویش را بدون هیچ گونه ابهام را بیان بدارد. بخشی از این برنامه‌ها تخریبی است که معمولاً مقدمات رسیدن به هدف و پیروزی را فراهم می‌سازد و به خاطر سست کردن پایه‌های نظام مغضوب و ادامه مبارزه تدوین می‌گردد و بخش دیگر برای بعد از رسیدن به پیروزی است که اداره جامعه را بر اساس معیارها و آرمانها بیان می‌دارد و در این بخش جنبه‌های سازندگی هنر ایجاد تعادل بین بخشهای مختلف و نیازهای طبیعی انسان، نمایش خواسته‌ها در صحنه عمل نمود بیشتری دارند.

۴- ویژگی دیگری که برای جنبشهای دانشجویی می‌توان قائل شد (سعه صدر) است روح حرکتهای دانشجویی روح گذشت و جذب و محبت است این جنبش بیشتر بر مشرکات تکیه می‌کند و برای تقویت جبهه خود و تشکیل صفوف فشرده جزئیات را نادیده می‌گیرد و محور حرکت را بر کلیات و اصول می‌گذارد تنگ نظری و «ضیق صدر» ریشه در جهل دارد و فرض اینست که دانشجویان عالم و آگاه است.

۵- دیگر امتیازی را که می‌توان برای جنبش دانشجویی بیان داشت امتیاز «جلوداری» است چون خصمت پیشروی و جلوداری از خصمتهای بارز دانشگاه و دانشجویان است جنبشی هم که از دانشگاه بجوشد و دانشجویان بگریز و نگران آن باشد خصمت جلوداری را در طبع خود دارد.

دانشگاه و دانشجویان امتیاز جلوداری را در انقلاب از آن جا می‌گیرند که به ناساماتیا و علل و وقایع زیان بار اتفاق زودتر آگاهی پیدا کرده‌اند و لذا فریاد اعتراض و جبهه‌گیری آنها به همان مقدار جلوتر از اقشار دیگر شروع می‌شود بر این اساس جنبشهای دانشجویی را می‌توان به عنوان آزر نحول و نشانه انقلابی گسترده در سطح جامعه به حساب آورد.

۶- مردم دوستی از ویژگیهای دیگر جنبش دانشجویی است هر چند در برخوردهای نخستین به نظر می‌رسد که این جنبش هیچ قربات و پیوندی با توده‌ها و اقشار مردمی ندارد ولی با مطالعه و دقتی بیشتر معلوم می‌شود که مبنای جنبش بر اساس مردم دوستی استوار است دردهای مردم محروم، دانشگاه را دردمند و مظلومیتهای مظلومان دانشجویان را متأثر ساخته و آنان را به فریاد کشانده است.

در این ویژه‌گی خصمت ایشار را مشاهده می‌کنیم ایشار عبارت است از

وسیله رسانه‌های گروهی سعی می‌کردند تا از این روشنفکران چهره مردمی و قهرمان ملی بسازند و یا این که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بارانداز گروههای وابسته به استخبارات، دانشگاه می‌شود و ساختمانهای دانشکده‌ها را مابین خود به عنوان مرکز توطئه و تخریب علیه انقلاب مردمی ایران تبدیل می‌کنند موضوعی اتفاقی و ناآگاهانه نیست.

البته سخن این نیست که هر کس در چنین دانشگاهی تدریس و یا تحصیل می‌کند عملاً استعمار است نه مرکز گروهی هستند که در نظام طاغوتی تسلیم مظاهر فساد نمی‌شوند و شجاعانه در برابر هجوم افکار بیگانگان می‌ایستند و به همراه شاگردان خود در جبهه سعادت را به روی افراد جامعه می‌کشایند و از میان این عزیزان، نام شهید مطهری و شهید مفتاح و دیگر استادان غیر روحانی آزادمنش و متدین از درخشندگی بیشتری برخوردار است. و همچنین نقش ارزنده آنان که سلسله جنبان انقلاب اسلامی در سطح دانشگاهها بودند را نباید از نظر دور داشت

ویژگیهای جنبش دانشجویی

در انقلابهای معاصر، جنبش دانشجویی از جایگاه بلند و موقعیت والایی برخوردار است اهمیتی را که سیاستمداران جهان برای حرکتهای دانشجویی قائلند، دیدگاه مثبتی است که توده‌ها و اقشار مختلف مردم نسبت به قیامها و جوشهای دانشگاهی دارند همه از برکت خصوصیتی است که دانشجویان دانشگاه دارند و ما در این جا این که جنبش دانشجویی را بهتر و بیشتر معرفی کرده باشیم بخشی از ویژگیهای این جنبش را فهرست می‌کنیم.

۱- جنبش دانشجویی جنبش شعری نیست هر چند شعارهای سازنده و روشنگر از متن این جنبش می‌جوشد و اهداف حرکت عصیانگر را تفسیر می‌کند ولی مبنای شعار را شعور تشکیل می‌دهد. به تعبیری وجهه شعوری جنبش دانشجویی از وجهه شعاری آن ظهور و بروز بیشتری دارد و به عبارت دیگر، در جنبش دانشجویی دیگر با آتش استدلال و شعور بجوشش می‌آید و نه با آتش احساس.

۲- جنبش دانشجویی، جنبش اجتهاد است و نه تقلید. چون دانشجویان با سلاح علم و آگاهی مجهز است و مقدمات اجتهاد سیاسی را که عبارت باشد از آگاهی نسبت به سنن و قوانین لایتغیر تاریخ و اجتماع شناخت پدیده‌ها و فرهنگها و هویتهای فرهنگی و مردمی... فراهم آورده است لذا با استفاده از این مقدمات حکم و وظیفه انقلاب خویش را کشف و اعتراض را آغاز می‌نماید.

صفات متعالی انسانهای رشد یافته است آنان که خویش را به رنج و زحمت می‌اندازند تا در پناه آن دیگران به آرامش برسند خود فدا می‌شوند تا ملتی فدای مطامع هوسبازان نگردد.

نکته قابل ذکر این است که جنبش دانشجویی در نظام مقدس اسلام معیارها و ویژگی‌هایی دارد که بحثی مستقل را می‌طلبد زیرا شیوه‌های دعوت، روش مبارزه انقلابی-اولویتها، امامت و رهبری باید به شکلی دقیق‌تر مورد بحث و بررسی قرار بگیرد که در این جا تنها کلیات مقبول و معمول در سطح جهان مورد نظر است.

با توجه به مطالب یاد شده نتیجه می‌گیریم که جنبشهای دانشجویی با این خصلتها و خصوصیتها زنده است و حیات و زندگی این جنبش و گرداندگانش مربوط به ارزشهایی است که به سادگی هم به دست نیامده بلکه سالها مبارزه پیگیر و بی‌ریاء دانشگاهیان انقلابی و انقلابی‌های مخلص دانشگاهی، این ثمره شیرین را در دنیا به بشریت هدیه کرده است که امروز جنبشهای دانشجویی از موقعیت و احترام والایی برخوردار باشند.

در کشور ما

در کشور ما جنبش دانشجویی را باید به دو بخش تقسیم کرد یکی جنبش دانشجویی قبل از پیروزی انقلاب و بخش دیگر جنبش دانشجویی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی. آن چه مربوط به قبل از بهمن ۵۷ است خود داستانی مفصل دارد و نیازمند فرصت و مروری بیشتر ولی آن قسمت که مربوط به بعد از بیست و دوم بهمن ۵۷ است نیز باید در دو فصل جداگانه مورد تحقیق و تحلیل قرار بگیرد فصلی به پیش از انقلاب فرهنگی و فصلی هم به بعد از انقلاب فرهنگی و گشایش دانشگاهها.

از میان مطالب تفکیک شده تنها به بخش آخر یعنی نگاهی به جنبش دانشجویی در زمان بعد از انقلاب فرهنگی می‌اندازیم و به بیان نقطه نظرهای مربوط به این موضوع در این زمان خاص می‌پردازیم.

چنان‌که بعضی معتقدند و برای اعتقاد خود دلالتی را ارائه می‌دهند و این جانب نیز تا حدی با آنان هم عقیده هستم اینست که می‌گویند: بعد از انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاهها جنبش دانشجویی آهنگ رکود داشته است. دانشجویان علاقه چندانی نسبت به حضور فعال در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از خودشان نمی‌دهند و بی‌تفاوتی و سکوت را بر حساسیت و موضع‌گیری ترجیح می‌دهند. می‌رسند غلغل این رگبورد را چگونه باید تحلیل کرد و چه راه‌حلهایی برای احیاء دوباره حرکت‌های دانشجویی و حضور فعال دانشجویان در صحنه‌های مختلف انقلاب باید ارائه داد؟

در این گونه جنبش دانشجویی بعد از بازگشایی دانشگاهها آهنگ رکود داشته است گویا جای هیچ گونه تردیدی نیست زیرا حضور دانشجویان در صحنه‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی نه تنها به شکل پیشرو و جلودار

○ اینار از صفات متعالی انسان‌های رشد یافته است.
آنان که خویش را به رنج و زحمت می‌اندازند تا در
پناه آن دیگران به آرامش برسند.

نبوده چنان‌که در برخورد با لانه جاسوسی مشاهده می‌کنیم بلکه در میدان‌هایی که مردم حزب الله می‌داند در صحنه‌ها بوده‌اند اقشار دانشجو به صورت بسیار کم‌رنگ‌تری حضور داشته‌اند. ابتکاری که بتواند به آن حرکت مردمی شوری بیشتر و اوجی شکوهمندتر ببخشد کمتر به چشم می‌خورد. البته منظور از حضور دانشجویان و دانشگاهیان، حضور به صورت جلوداری است حضوری که بسیج‌کننده، شورآفرین و هدایت‌گر باشد وگرنه دانشجویان و دانشگاهیان متعهد و متدین، هیچ‌گاه از صحنه‌های انقلاب غایب نبوده‌اند.

هرگاه کسی بگوید چه لزومی دارد که دانشجویان، به شکل تافته‌ای جدا بافته از مردم، خویش را مطرح کنند آنان نیز همانند توده‌های میلیونی حزب‌الله مرزهای تمایز را می‌شکنند و خویش را به خاطر هم‌رنگی و هماهنگی بیشتر با مردم در متن توده هاجل و هضم می‌کنند و چنین شیوه‌ای چهره مردمی دانشگاهیان را قویتر و مبارزه را بی‌ریا تر جلوه می‌دهد؟

در پاسخ کسانی که این گونه می‌اندیشند باید بگوئیم که اولاً به خاطر جایگاه اجتماعی و فرهنگی و سیاسی دانشجو و دانشگاه که مسلح به سلاح دانش و آگاهی است این انتظار وجود دارد که در صحنه‌های مختلف، نخستین کسی که فریاد برآورد و غافلان را به بیداری و هوشیاری دعوت کند این گروه باشد. پس انتظار جلوداری از این قشر انتظار به حقی است.

ثانیاً در پیش اسلامی مبارزه و جهاد به خاطر این که تافته‌ای جدا بافته به حساب آید و یا خود وظیفه خود را برای دست یابی به امتیاز مطرح سازد مبارزه‌های انحرافی و در طریق شیطان است بر طبق ضوابط اسلامی هر قشر بر اساس میزان آگاهی و توان خود باید در جهت حاکمیت قانون خدا و از میان برداشتن طاغوت و اندیشه‌های طاغوتی در میدان مبارزه به عنوان شرعی و انسانی شرکت جوید.

ثالثاً ابتکار را در مبارزه و جهاد به دست گرفتن و در مسیر رضایت خداوند در متن توده‌ها، به توده‌ها خدمت کردن و مسئولیت سنگین‌تری را قبول نمودن منافات با مردمی بودن دانشجو ندارد.

(ادامه دارد)

